

ماشین آبی

در ایستگاه

ایستاده‌ایم

و ایستاده دماوند

در پیش چشم ما

و پرسشی به این سپیدی خاکستر پیوسته

می‌پیوندد

دیو و ددش همیشه و حاضر

بند دگر کجاست

ما ایستاده‌ایم

در رهگذار دود

در خواری هنر

در ارجمندی جادو

و مغزهای مضطرب بیمار

اندام ماردوش را

تصویر می‌کنند

ما سال‌هاست منتظر مقصد هستیم

ما در کمین حرکت و ماشین

ما در تقاطع تاریخی خیابان‌ها

در امتداد کوروش

و در نهایت تخت جمشید

زبان زنده

زبان زمزمه و نجوا

زبان مشورت و ایما

زبان قهر و خشونت

زبان مهر و محبت

کلید ترجمه در دست کیست

شما که اهل علم زبان هستید

از ساختار این زبان زنده چه می دانید؟

ناقوس‌ها در بازگشت

این روزها

ناقوس‌ها

طنین پرتپشی دارند

بلند می خوانند

فصیح می خوانند

به حکم قاطع تقدیر

هم از صدای ناب اذان سرشارند

هم از تجلی ناممکنی

که ممکن شد.